

## Investigating the effect of the rhetorical layer of Surah Farqan on mental health

### ARTICLE INFO

*Article Type*  
Research Article

**Authors**  
Ghodsieh Akbari

#### How to cite this article

Ghodsieh Akbari, Investigating the effect of the rhetorical layer of Surah Farqan on mental health, *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 8(1): 215-221.

1. Faculty member, University of Sistan and Baluchistan, Sistan and Baluchistan, Iran (corresponding author).

\* *Correspondence:*  
Email: q.akbari110@gmail.com

### ABSTRACT

The Quran, as a guide book and instructions for human life, has provided solutions for ensuring mental health, some of which have been proposed in the new mental health and have a surprising consistency, which is a testimony to the authenticity and truth of the revealed teachings of the Quran. In this article, by examining the rhetorical layer of Surah Furqan and discovering the aesthetic values of the Holy Quran, we discuss its impact on the mental and spiritual health of human beings.

Acquiring the concepts and rhetorical aspects of the Qur'an is necessary to discover some of the sciences within the limits of human ability in order to better understand the concepts and reserves of the divine verses and to attract its audience and to be more productive in various areas of life, including mental health. In expressing this issue, an effort is made to discover the literary and rhetorical layers of the verses of Surah Furqan in terms of structure, depth, and aesthetics, and to investigate and analyze its effect on the mental health of the individual and society. The purpose of the research on the rhetorical layers of the verses of the Quran is to deepen the interpretation so that the understanding of the revelation becomes easier and the solutions of the Holy Quran to ensure the mental health of mankind are revealed. The present research has been carried out using a fundamental method and collecting information with reference to the library and software and with a descriptive-analytical approach.

**Keywords:** stylistics, rhetorical layer, interpretation, Surah Furqan, health and mental health..

## بررسی تأثیر لایه ی بلاغی سوره ی فرقان در سلامت

## روح و روان

## قدسیه اکبری

عضو هیات علمی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران (نویسنده مسئول).

## چکیده

قرآن به عنوان کتاب راهنما و دستورالعمل زندگی بشر راهکارهایی برای تأمین بهداشت روانی ارائه داده است که برخی آنها در بهداشت روانی جدید مطرح شده و تطابق شگفت آوری دارد که شاهدی بر اصالت و حقیقت آموزه‌های وحیانی قرآن است. در این مقاله با بررسی لایه ی بلاغی سوره ی فرقان و کشف ارزشهای زیبایی شناختی قرآن کریم به تأثیرگذاری آن در سلامت روانی و معنوی انسان می پردازیم .

دستیابی به مفاهیم و جنبه های بلاغی قرآن برای کشف پاره ای از علوم در حد وسع بشر به منظور فهم بیشتر مفاهیم و ذخایر آیات الهی و جذب مخاطبان آن و برای بهره وری بیشتر در عرصه های گوناگون زندگی از جمله بهداشت روانی ضروری است. در بیان این موضوع تلاش می شود تا ضمن کشف لایه های ادبی و بلاغی آیات سوره فرقان از لحاظ ساختارشناسی، ژرفاشناسی و زیبایی شناسی، تأثیر آن در سلامت روانی فرد و جامعه بررسی و تحلیل گردد. هدف از پژوهش در لایه های بلاغی آیات قرآن، تعمیق بخشیدن به تفسیر است تا فهم و درک بطون وحی میسرتر گردد و راهکارهای قرآن کریم در تأمین بهداشت روانی بشر نمایان شود. تحقیق حاضر به روش بنیادی و جمع آوری اطلاعات بامراجعه به کتابخانه و نرم افزارهای و با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است.

کلیدواژگان: سبک شناسی، لایه بلاغی، تفسیر، سوره فرقان، بهداشت و سلامت روان.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۲

\* نویسنده مسئول: q.akbari110@gmail.com

## مقدمه

در سبک شناسی ادبی، لایه ی بلاغی زبان بیش از دیگر سطوح در مطالعات سبکی تأثیر دارد؛ چرا که عناصر ادبی و بلاغی، نقشی مهم در ادبیت آثار و نیز پیدایی سبک فردی ایفا می کند. «ریشه های سبک شناسی، به علم بلاغت یا فن سخنوری برمیگردد که نوعی کاربرد هنرمندانه زبان در موقعیتی خاص و برای القای مفهومی خاص است» (۱).

از آنجا که هر زبان نوعی جهان بینی است و دریافت های حسی در زبان، مفهوم سازی می شوند، هر دریافت به عنوان مفهوم و گزاره، چیزهای خاصی را می بیند و آن ها را به شکل خاصی بازتاب می دهد. از این رو برخی ساختارهای زبانی و کنایه ها و استعاره ها، ویژه یک زبان و فرهنگ خاص است که می تواند باعث افزایش ناخوشی ها گشته و یا با استفاده آگاهانه از آن ها باعث بهبود بیماری ها شود. این امر باعث شده است که روان درمانگران نسبت به فرهنگ و زبان شناسی حساس تر شوند.

در آفرینش های ادبی شگردهای بلاغی و صنایع ادبی، نویسنده را به خلق صحنه های بدیع و نامتعارفی می رساند و بر اساس بسامد بالای هر یک از این صنایع، تأثیرگذاری های متفاوت روحی و روانی در افراد شکل میگیرد. این بخش از سطوح زبانی بر خلاف سطح آوایی، شامل آن دسته از صورت های زبانی است که در معنا تأثیرگذار هستند و به اصطلاح عملکرد آنها بر درونه ی زبان استوار است. تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز از جمله ی این صناعات هستند که شاعر به کمک آن ها صورت کلام خود را برجسته ساخته و از قواعد زبان معیار فاصله میگیرد (۲). این دسته از صناعات ادبی از آنجا که حاصل تجربه ی هنری مؤلف است و به نوعی با عواطف و احساسات درونی و باطنی وی پیوند داشته و بیانگر نگرش خاص وی به اشیاء و جهان پیرامون است، زمینه ساز تأثیرگذاری روانی می گردد چون هرچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند. ارزیابی و بررسی روشمند هر یک از این صناعات معنایی در کلام شاعر موجب تحلیل و تفسیر سبک گوینده و محتوای اثر وی می شود. صنایع ادبی و آرایه های بلاغی از منظر سبک شناسی تنها ابزارهای زبانی جهت به تصویر کشیدن عناصر تضاد یا تناسب به منظور خلق یک صحنه ی خیالی و بدیع در یک متن ادبی نیستند؛ بلکه دارای نقشی فعال و دلالت هایی معنادار در ساختار متن و چهارچوب زبانی آن، متناسب با هدف گوینده بوده و زمینه ساز خلق تأثیرات سبکی مختلف در متون می گرد)

بر این اساس شایسته است که استعاره ای واحد در یک متن غنایی و متن علمی کارکرد معین و مشخصی متناسب با مضمون و محتوای متن خود ایفا کند.

بررسی سبک شناسانه ی صنایع ادبی چون تشبیه و استعاره در کلام شاعران و نویسندگان از جهت وجه شبه، طرفین تشبیه یا استعاره، ساختمان و کارکرد هر یک از آنها در یک متن مستقل، تفاوت های

و ما به سراغ اعمالی که انجام داده‌اند می‌رویم، و همه را همچون ذرّات غبار پراکنده در هوا قرار می‌دهیم.

زمخشری می‌گوید: "در این آیه، نه قدمی در کار است و نه شبه قدم، بلکه حال آنها و کردارشان در کفر ورزیدن و صلّه رحم و مدد به دردمند و میهمان نوازی و بخشیدن اسیر و دیگر خوبیها و بزرگواریهای آنان به حال گروهی تمثیل شده است که با سلطانانشان مخالفت ورزیده و بر او شوریدند و سلطان آنها را تماماً از بین برده و هیچ اثری از آنها باقی نمانده است(۱۱).

بنابراین عمل و کردارشان، مشبه و هباءً منثوراً، مشبه‌به است. البته وجه شبه در اینجا پوچ و ضعیف بودن است که گویی اصلاً به چشم نمی‌آید. و خداوند می‌فرماید عمل کفار مانند گرد و غبار است.

« إِذَا رَأَتْ لَمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيظًا وَ زَفِيرًا » (فرقان: ۱۲)

هنگامی که آتش آنان را از مکانی دور ببیند، صدای وحشتناک و خشم آلودش را که با نفس زدن شدید همراه است می‌شنوند. و عذاب و وحشتناک به نفس زدن تشبیه شده است.

تشبیه در این آیه، از نوع تشبیه به صوت است که منظور آیه این است که صدای عذاب و وحشتناک را همراه با نفس زدن شدید می‌شنوند.

« وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَ النَّوْمَ سُبَاتًا وَ جَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا » (فرقان: ۴۷)

او کسی است که شب را برای شما لباس قرار داد، و خواب را مایه استراحت، و روز را وسیله حرکت و حیات قرار داد.

در این آیه خداوند شب را مانند لباس قرار داده که این خود تشبیه و مورد دومی خواب را به مرگ و حیات تشبیه کرده است.

لباس، مشبه‌به؛ لیل، مشبه؛ وجه شبه، پوشاندگی و ادات تشبیه «ک» یا «مثل» است که در ظاهر حذف شده است. و در ادامه شب و وسیله‌ای برای آسایش و روز برای حیات و زندگی است.

« أَمْ تَلْحَسَبُ أَنْ أَكْثَرُهُمْ يُسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ تَقْدِيرًا وَ نُشُورًا إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا » (فرقان: ۴۴)

آیا گمان می‌بری بیشتر آنان می‌شنوند یا می‌فهمند؟! آنان فقط همچون چهارپایانند، بلکه گمراه‌ترند!

در این آیه «اکثر» مشبه، «انعام» مشبه‌به، «ک» حرف تشبیه و «حماقت و نادانی» وجه شبه است.

بررسی دقیق‌تر این آیات به ما نشان می‌دهد که بیان تشبیهی برخی حالات افراد می‌تواند تأثیرگذاری زیادی در روان آدمی گذاشته و در فهم بهتر حالات این گروه و مبتلا نشدن به این شرایط کمک کند، که نتیجه آن سلامت روحی و روانی انسان است.

استعاره

معناداری را در سبک هر یک از شاعران و نویسندگان آشکار می‌سازد.

صناعات معنایی نقشی مهم در اعطای کیفیت ادبی به زبان دارند. کیفیت ادبی یا شخصی‌سازی زبان بیش از هر جا در صناعات بلاغی به ویژه صورت‌های مجازی زبان (صناعات معنایی) نمودار می‌شود. غلبه‌ی هر یک از این آرایه‌ها در متن، سبک‌های برجسته‌ای را شکل می‌دهد. (۳)

از آنجائیکه روی دیگر این نوشتار تأثیر سبک‌های ادبی سوره بر بهداشت روانی و سلامت معنوی انسان است به تعریفی از بهداشت روانی هم می‌پردازیم:

بهداشت روانی را چنین تعریف کرده‌اند: «استعداد روان برای هماهنگی، خوشایند و مؤثر کار کردن، برای موقعیت‌های دشوار انعطاف پذیر بودن و برای بازیابی تعادل خود توانایی داشتن» (۴). سازمان جهانی بهداشت، نیز آن را چنین تعریف می‌کند: «توانایی کامل برای ایفای نقش‌های اجتماعی، روانی و جسمی».

بهداشت روانی در تعریف دیگر عبارت است از «مجموعه عواملی که در پیشگیری یا جلوگیری از پیشرفت روند وخامت اختلالات شناختی، عاطفی، و رفتاری در انسان نقش مؤثر دارند (۵). بهداشت روانی در گستره وسیع‌تر عبارت است از آگاهی به عوامل معنوی و مادی و انگیزه‌هایی که سلامت فکر و وضع مثبت و اعتدال رفتار و کردار را سبب می‌شود، که بدان وسیله ساز و کار با ارزشی در مورد تحرک و پیشرفت معنوی و مادی انسان در همه زمینه‌ها فراهم آید. (۶).

برخی از شیوه‌های بلاغت در قرآن عبارتند از:

#### ۱- تشبیه

تشبیه در لغت به معنای تمثیل و همانندی است (۳۷) و در اصطلاح سخنی است که در آن یک چیز یا چیزهایی در یک صفت یا بیشتر با دیگری مشارکت کند به وسیله اداتی مثل کاف. هر تشبیه چهار رکن دارد: مشبه، مشبه‌به، ادات تشبیه و وجه شبه که لازم است در مشبهه قوی تر و آشکارتر از مشبه باشد. (۸)

بلاغت تشبیه بر دو عنصر تکیه دارد: یکی شیوه چینش الفاظ و دیگری جدید بودن مشبهه، به طوری که دور از ذهن باشد و ادیبی می‌تواند این دو را باهم داشته باشد که خداوند، ذوقی سلیم به او بخشیده باشد تا بتواند وجه شبه‌های ریز و دقیق بین اشیاء را بشناسد و تصویری ظریف و ماهرانه و زیبا را ترسیم کند. (۹)

تشبیه یک عنصر بیانی و عقلی است که دو چیز را متمایز می‌کند و یکی را به دیگری متمائل و تشبیه می‌کند و لفظی را بین آن دو ذکر می‌کند که دلالت بر تشابه آن دو دارد. و تشبیه در واقع بین دو تا حقیقت صورت می‌گیرد و موجب زیبایی و جذابیت متن میشود (۱۰).

برای فهم بیشتر تشبیه در قرآن به نمونه‌هایی از آن در سوره فرقان می‌پردازیم:

« وَ قَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا » (فرقان، ۲۳)

« وَ لَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا »  
(فرقان: ۳۳)

جمله مشخص شده استعاره تصریحیه یا مصرحه است که این مثالها از نوع امور متخیله هستند.

-استعاره بالکنایه: در آن تنها مشبه ذکر می شود و از آنجائیکه در آن به لفظ مستعار تصریح نشده است بلکه به ذکر یکی از لوازم و متعلقات آن بسنده می شود و از طریق لوازم می توان به معنی مورد نظر دست یافت آن را استعاره بالکنایه می نامند.

« إِذَا رَأَتْ لَمَمٌ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعَتْ لَهَا تَغِيظًا وَ زَفِيرًا »  
(فرقان: ۱۲)

هنگامی که این آتش آنان را از مکانی دور ببیند، صدای وحشتناک و خشم آلودش را که با نفسزدن شدید همراه است می شنوند. استعاره از شدت عذاب الهی را مطرح میکند و نشان میدهد که آتش دوزخ مانند درندهای گرسنه است که منتظر طعمهی خویش است و استعاره مطرح شده در این آیه از نوع استعاره بالکنایه است.

« وَ إِذَا أَلْقَا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُقَرَّبِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا »  
(فرقان: ۱۳)

و هنگامی که در جای تنگ و محدودی از آن افکنده شوند در حالی که در غل و زنجیرند، فریاد و اوایلای آنان بلند می شود!

« وَ قَدَّمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا »  
(فرقان: ۲۳)

استعاره مطرح شده در این آیه استعاره تمثیلیه است. « أَصْحَابِ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَ أَحْسَنُ مَقِيلًا » (فرقان: ۲۴) بهشتیان در آن روز قرارگاهشان از همه بهتر، و استراحتگاهشان نیکوتر است!

مقیل در اصل مکان قیلوله است که شب نصفی از روز را شامل می شود. از این جهت استعاره گفته اند که اینجا منظور از احسن مقیلا در واقع محلی برای استراحت و خلوت است.

نگاهی به استعارات لطیف خداوند نشانگر آن است که این شیوه جایگاهی بس مهم در تصویرگری مفاهیم داشته است. در پرتو آن، معانی ذهنی و حالات درونی افراد و حوادث و پدیده ها، روح و حیات و نشاط می یابند و به صحنه هایی زنده و تابوهای گویا تبدیل می شوند که هریک آوای حیات سر می دهند و موجی از احساس را به آدمی منتقل می سازند.

#### ۸- کنایه

از دیگر عناصر تصویر ساز در این سوره مبارکه بهره مندی از دیگر صنعت بیانی یعنی کنایه است. مقصود از کنایه در لغت، پوشیده سخن گفتن، پرده بر انداختن بر آن و عدم تصریح است اما در علم بیان، عبارت است از "بیان لفظ در غیر معنای حقیقی آن، به صورتی که بتوان معنای اصلی آن را نیز اراده کرد" (۱۷).

و فرق اصلی کنایه و استعاره نیز در همین است که در استعاره قرینه صارفه وجود دارد تا ذهن را از معنای حقیقی خود خارج کند و به معنای مجازی رساند ولی در کنایه چنین قرینه ای وجود ندارد.

۲- استعاره در لغت به معنای رد و بدل کردن چیزی بین دو شخص یا طلب امانت کردن (۱۲). و از عار مشتق شده است زیرا طلب آن شرمآور و دارای عیب می باشد.

۳- استعاره در اصطلاح این است که لفظی در هنگام وضع لغت، اصلی شناخته شده باشد و شواهدی دلالت کند که به هنگام وضع بدان معنی اطلاق میشود، سپس متکلم، این واژه را در غیر آن معنی اصلی به کار گیرد و این معنی را به آن لفظ منتقل نماید، انتقالی که ابتدا لازم نبوده است و به مثابه ی عاریت میباشد. (۱۳)

۴- علاقه ی بین معنای اصلی و معنای وضعی مشابهت است و قرینه ای که مانع از اراده ی معنای حقیقی لفظ شود، در کلام وجود دارد. (۱۴).

۵- شناخت، عاملی بسیار مهم در نوع نگاه انسان به پیرامونش است. یکی از هدف های درمانگران تحلیل باورهای بیماران بوده است. درمان شناختی- رفتاری با بررسی باورهای مراجعین و تشخیص خطاهای شناختی آنان به حفظ بهداشت روان و درمان بیماری های روانی یاری می رساند.

۶- استعاره به عنوان عملی شناختی در آموزه های پیشین بیمار در اثر تکرار و تجربه، در حافظه آن ها نهادینه شده است. این موضوع، ما را یاری می دهد تا با جهت دهی درست به سیستم شناختی بیمار و ایجاد بینشی تازه به اهداف درمانی دست یابیم.

۷- این مطالعه سعی در بررسی تأثیر استعاره های درمانی در درمان بیماری های تنی، روانی و روان تنی دارد. استعاره در حقیقت تشبیهی کوتاه به نثر یا به نظم است که چون در آن لفظ در غیر معنای حقیقی اش به کار می رود هیجان یا شناختی در افراد به وجود می آورد و به جهت پیوند و مشابهتی که بین معنای حقیقی و معنای مجازی آن است و به همراه خود قرینه ای دارد که نشان می دهد این لفظ معنایی غیر از معنای حقیقی اش می دهد. (۱۵) و در پی آن با پیغامی آگاهانه، دیدگاهی تازه به فرد می بخشد.

استعاره، جمله ای است که حالت، استعاره درمانی یک روش غیرمستقیم برای تغییر دادن رفتار، خلق، روندهای فیزیولوژیک، تجسم، ادراک، شناخت و گفتگوی درونی بیمار است. (همان) به طور کلی استعاره ها، درست مانند تلقینات هیپنوتیزی می توانند تغییرات رفتاری، مفهومی- شناختی یا عاطفی را آسان تر کنند. (۱۶) کاربرد استعاره های درمانی در هیپنوتیزم درمانی وسیع است و به عنوان روشی برای انتقال تلقینات بدون استفاده از کلمات و عبارات یکسان از ارزش خاصی برخوردار است. هنگامی که استعاره ها قبل از تلقینات قابل فهم و ساده تر به بیمار ارائه می شوند معمولاً به آن «بذر افشانی یک عقیده» می گویند. (همان)

استعاره را به اعتبار ذکر مشبه و مشبهه، به دو قسم تقسیم بندی کرده اند:

-استعاره تصریحیه: در این نوع استعاره، از میان ارکان تشبیه به ذکر "مشبه به" اکتفاء می شود.

خود دوستانی غیر از خدا بگیرند. عطاء گوید: این قدر دستهای خود را نیش می‌زنند که گوشت آن تا مرفق ریخته می‌شود. جمله مشخص شده کنایه از حسرت و تأسف است و این که دست به دندان گزیدن شاید به خاطر این باشد که چنین اشخاصی چون به گذشته خویش مینگرند خود را مقصر میدانند و تصمیم میگیرند که این کار از خویشان انتقام بگیرند تا بتوانند بدین وسیله کمی آرامش یابند و برای بیان شدت پشیمانی ذکر شده است.

« وَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِشَوْا عَلَيْهَا صَمَا وَ عُمَانًا » (فرقان: ۷۳)؛

و کسانی که هر گاه آیات پروردگارشان به آنان گوشزد شود، کر و کور روی آن نمی‌افتند.

عبارت کر و کور در آیه مذکور به معنای تقلید بدون اندیشه و تفکر و کورگورانه می‌باشد.

b. « الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسُئِلَ بِهِ خَبِيرًا » (فرقان: ۹۵) همان (خدایی) که آسمانها و زمین و آنچه را میان این دو وجود دارد، در شش روز [شش دوران] آفرید، سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت (و به تدبیر جهان پرداخت، او خداوند) رحمان است، از او بخواه که از همه چیز آگاه است!

در آیه فوق، دو کنایه به کار برده شده است: « سِتَّةِ أَيَّامٍ ؛ شش روز » کنایه از شش مرحله یا شش دوره است. و « اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ » بر عرش تکیه زد « کنایه از قدرت خدا، استیلا و چیرگی اوست .

c. « وَ عِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا » (فرقان: ۶۳)

d. بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند)

در آیه مذکور « هونا » کنایه از تواضع و فروتنی و « قَالُوا سَلَامًا » کنایه از مقابله معقول و بزرگ منشانه است.

e. « أُولَئِكَ يَرْجُونَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيَلْقَوْنَ فِيهَا كَبْرًا وَ سَلَامًا خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقْرَرًا وَ مَقَامًا » (فرقان: ۷۵)

(آنان هستند که درجات عالی بهشت در برابر شکیباییشان به آنان پاداش داده می‌شود و در آن، با تحیات و سلام رو به رو می‌شوند). کلمه « غُرْفَةَ » به طوری که گفته‌اند به معنای بنایی است که بالای بنای دیگر واقع شده باشد و از کف خانه بلندتر است. و در آیه شریفه، کنایه است از درجه عالی‌تر بهشت، و مراد از " صبر " صبر بر طاعت خدا و بر ترک معصیت او است و این دو قسم صبر همان است که در آیات سابق نیز ذکر شده بود و لیکن این دو صبر عادتاً جدای از صبر قسم سوم، یعنی صبر در هنگام شدائد و مصائب نیست و قهراً کسی که بر طاعت خدا و بر ترک معصیت او صبر می‌کند ممکن نیست در هنگام شدائد صبر نکند.

کنایه از " کن " به معنای ستر و پوشش گرفته شده است. کنیت الشئی اکنیه یعنی زمانی که آن را از دیگران مخفی کردی و کنایه را کنایه گفته‌اند زیرا معنی را می‌پوشاند و غیر آن را آشکار می‌کند. (۱۸)

در اصطلاح کنایه لفظی است که بر خلاف استعاره هم بر معنای مجازی و هم بر معنای حقیقی دلالت کند و قرینه‌ی آن صارفه است نه مانعه. (۱۹)

به عبارت دیگر کنایه لفظی است که هم میتوان از آن معنای حقیقی را اراده کرد و هم مجازی؛ زیرا که قرینه‌ی وجود ندارد که باز دارنده معنای اصلی آن باشد.

در کنایه دخل و تصرف در محور ترکیب و مجاورت کلمات، تغییر در دلالت را به دنبال دارد بدین معنا که در کنایه هیچ لفظی به تنهایی جانشین لفظ دیگر نمیشود، بلکه کلمات در مجاورت هم قرار میگیرند و موجب تحول در معنا می‌شوند (۲۰)

یکی از انواع تعبیر کنایی را در این آیه مبارک شاهدیم:

a. « وَ قَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ الْمَلِكُ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا » (فرقان: ۷)

و گفتند: « چرا این پیامبر غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟! (نه سنت فرشتگان را دارد و نه روش شاهان را!) چرا فرشته‌ای بر او نازل نشده که همراه وی مردم را انداز کند (و گواه صدق دعوی او باشد)؟! »

در این آیه دو کنایه وجود دارد:

« يَأْكُلُ الطَّعَامَ » کنایه از رفع حاجت است یعنی حادثهای که ملازم با خوردن باشد. اما به دلیل پرهیز از آوردن الفاظ رکیک مانند غائط و مانند آن اکل طعام را به صورت کنایه آورده است.

« يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ » کنایه از طلب معاش است. این آیه مربوط به رسالت پیامبر است که گفتند: چرا این پیامبر غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟

نه سنت فرشتگان دارد و نه روش شاهان را، در حالی که او می‌خواهد دعوت الهی را ابلاغ کند و بر همه‌ی ماحکم براند. آنها معتقد بودند که افراد بلند پایه و والا مقام نباید برای رفع حوائج خود شخصاً به بازارها گام بگذارند، باید مأموران و خدمتگزاران را به دنبال این کار بفرستند (۲۱) یا این که پیامبران اصولاً نباید مانند بشر نیازهای دنیایی داشته باشند.

« وَ يَوْمَ يَعْزُزُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا » (فرقان: ۲۷)

و (به خاطر آور) روزی را که ستمکار دستان خود را (از شدت حسرت) به دندان می‌گردد و می‌گوید: « ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم! »

« وَ يَوْمَ يَعْزُزُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ »

قیامت روزی است که ظالم - همچون عقبه بن ابی معیط - از فرط ندامت انگشت خود را می‌گزد. این است سرنوشت آنها که برای

تمثیل

یکی از شیوه های ارائه محتوا که تأثیر بسزایی بر روان آدمی دارد و از جنبه های ادبی و بلاغی که در پرورش نفوس و برانگیختن احساسات و عواطف آدمی نقش بسزایی دارد و در اعماق روح و جان آدمی نفوذ کرده و گوینده را در اهداف و مقاصد یاری میکند، تمثیل است.

برهمن اساس، تمثیلات قرآنی، یکی از جاذبه های دینی است که نقش بسیار مهمی در انتقال تعالیم و مفاهیم مورد نظر دارد که مهمترین و مفیدترین ابزار در جهت سلامت روحی و ارتقاء تربیت و اخلاق می تواند نقش ایفا نمایند که در سوره فرقان، نیز به کار رفته است:

« انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا »  
(فرقان: ۹)

بین چگونه برای تو مثلها زدند و گمراه شدند، پس نمی توانند راهی بیابند.

تمثیل به دو جهت مورد استعمال است که یک جهت آن جنبه منفی و جهت دیگر جنبه مثبت دارد. کافران از این روش در پی سود و القای عقاید منفی خود هستند که نتیجه آن خسران و گمراهی و در نتیجه آتش جهنم است و جنبه مثبت آن را خداوند برای هدایت و روشنگری بندگان به کار میگیرد و جنبه تربیتی دارد. خدای حکیم در این سوره در آیات ۳۷ تا ۴۰، قوم نوح، قوم عاد و ثمود و اصحاب رس و فرجام کارشان را برای عبرت آموزی و پندگیری بندگان مثال زده است و از جهت دیگر فرجام گمراهیشان را که عذاب خسران است، بیان می کند.

و قَوْمِ نوحٍ لَمَّا كَذَبُوا الرِّسَالَ عَرَفْنَاهُمْ وَ جَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَ أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا (۳۷) وَ عَادًا وَ ثَمُودَ وَ اصْحَابَ الرَّسِّ وَ قُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا (۳۸) وَ كَلَّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَ كَلَّا تَبْصُرُنَا تُبْتِغِرًا (۳۹) وَ لَقَدْ آتَوْنَا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْنَا عَلَيْهَا مَطَرًا سَوِيًّا أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرُونَهُ إِلَّا بَلًّا كَانَوْا لَا يَرْجُونَ نَشُورًا (۴۰)

« و قوم نوح را هنگامی که رسولان (ما) را تکذیب کردند غرق نمودیم، و آنان را درس عبرتی برای مردم قرار دادیم و برای ستمگران عذاب دردناکی فراهم ساختیم! (۳۷)

همچنین (قوم عاد و ثمود و اصحاب الرس) گروهی که درختان صنوبر را می پرستیدند و اقوام بسیار دیگری را که در این میان بودند، هلاک کردیم! (۳۸)

و برای هر یک از آنها مثلها زدیم و (چون سودی نداد)، همگی را نابود کردیم! (۳۹).

آنها (مشركان مكّه) از کنار شهری که باران شرّ (بارانی از سنگهای آسمانی) بر آن باریده بود (دیار قوم لوط) گذشتند آیا آن را نمی دیدند! (آری، می دیدند) ولی به رستخیز ایمان نداشتند! (۴۰) اینگونه توصیفات تمثیلی می تواند درک و عبرت گیری از وقایع را برای افراد ساده تر و ملموس تر کند.

نتیجه گیری

در سبک شناسی لایه ای سوره فرقان انحاء گوناگونی مورد بحث و بررسی قرار میگیرد که در این مقاله لایه بلاغی و اثربخشی این سبک در تأمین آرامش و امنیت روانی انسان در سایه تفهیم موضوعات به صورت غیرمستقیم بررسی شد.

در تحلیل لایه بلاغی، عنصر استعاره و تشبیه در آیات، با بسامد بالایی نسبت به موارد دیگر، کاربرد دارد.

یکی از راه های اثبات اعجاز در فصاحت و بلاغت قرآن کریم، شناخت و فهم سبک شناسی آن از جمله در لایه بلاغی است که از آثار پربار معنای برخوردار بوده و تأثیرگذار در امنیت بخشی زندگی مخاطبان خود می باشد.

شناخت ویژگیهای سبکی سوره، در ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با مبانی عقیدتی آن است. مانند این که کارکرد عناصر تأکیدی چون «أما»، «إِنَّ» و اسلوب قسم، که در لایه نحوی مطرح شد، گویای دلالتهای ایدئولوژیک در بافت روایی سوره است.

در سوره فرقان از تصویرپردازی جهت تثبیت معانی مورد نظر در ذهن شنونده یا خواننده بهره برده شده است و هر دو نوع تصویر مجازی و حقیقی، در لایه بلاغی، نظیر تشبیه و استعاره و کنایه وجود دارد.

توجه به لایه های مختلف باعث تعمیق تفسیر میشود و برای مخاطب رویارویی با غیر را «صحنه سازی» می کند و توانایی اندیشیدن به تفکر دیگری و تسلط بر ذهن خویش را در او تقویت می کند.

## References

- Ibn al-Athir, Zia al-Din, al-Muthal al-Sa'ir fi adab al-katib and al-sha'er, Beirut, Dar al-Katb al-Alamiya, Bi Cha: 1377.
- Ibn Manzoor, Jamal al-Din Makram, Lasan al-Arab, Beirut, Dar Sader, third edition: 1414 AH.
- Amani, Ahmed Therapeutic proverbs and cognitive-behavioral therapy. Mashhad: Malik Abad: 1385.
- Bastan, Seyyed Khalil, Man Maalem al-Adab fi Nahj al-Balagheh, Tehran, Samt Publications, Bicha: 2009.
- Al-Thalabi Al-Nishabouri, Abi Mansour Abd al-Malik, Al-Kanaye wa al-Tareez and Commentary by Aisha Hossein Farid, Cairo, Dar Qaba for Printing and Publishing and Al-Tawziah Abd Gharib, B. Cha: 1998.

19. Lotfi, Iftikhar, the stylistics of Khums-e-Ashar prayers, Lorestan University, master's thesis, 2013.
20. Makarem Shirazi, Nasser, selected interpretation of the sample, Tehran, Dar al-Katbi al-Islamiya publishing house, 10th edition: 2019.
21. Hashemi, Ahmad, Javaher al-Balagha fi al-Ma'ani and al-Bayan and al-Badi', translation: Hasan Irfan, Tehran, Elham, 4th edition: 2006.
22. Hamon, Corydon. Hypnotic insinuations and metaphors. Translated by the lecturers of the Iranian Clinical Hypnosis Association. Tehran: Institute of Cultural and Artistic Research Code of Processing of Signs: 1384.
7. Al-Jarim, Ali, Mustafa, Amin, Al-Balagheh and Al-Ashraheh, Beirut, Al-Maktabeh Al-Alamiya, Bicha: 1377.
8. Zamakhshari, Mahmoud, Al-Kashaf, translation: Seyed Mohsen Mousavizadeh, Cairo, Asas al-Balagheh, Dar Matabah al-Shaab, third edition: 1960.
9. Shamlou, Saeed, Mental health, Tehran, Rushd, 13th edition, 1378.
10. Shahun Badi Hassan, Sadeghi Saeed, the article on stars and their role in cognitive processing, body, mind, culture, knowledge visual magazine, March 12, 2018.
11. Saneyi, Seyyed Mehdi, Mental health in Islam, Bostan Kitab, Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office of Qom Seminary, first edition, 2012.
12. Tabatabai, Mohammad Hossein, translation of Tafsir al-Mizan, Qom, seminary seminary community, fifth edition: 1374
13. Al-Alawi Al-Alimani, Yahya bin Hamzah, Al-Muzadil al-Muttalim lasrar al-Balaghah and Sciences Haq al-Ijaz, Egypt, Moqtataf Press, Bicha: 1914 AD.
14. Fazli, Mohammad, Dissertation and Criticism in Hame's Rhetorical Issues, Mashhad, Ferdowsi University Publications, 3rd edition: 2008.
15. Al-Fatouh, Shoaib Mohi al-Din Sulaiman, Al-Adab fi al-Asr al-Abbasi, characteristics of style in the poetry of Ibn Rumi, Al-Mara, Dar al-Arfa, Bicha: 1383.
16. Fatuhi, Mahmoud, theory of stylistics, methods and methods", Tehran, Scientific Publications, first edition: 1391.
17. Fazl, Salah, Science of Style, principles and practice, translated by Maryam Atharini, Cairo, Dar al-Sharq, Bicha: 1998.
18. Ganji, Hamzeh, mental health, Tehran, Arsbaran, Spring 2018.